فرشته طوسی
فعال دانشجویی

مواجهه با تعلیق دانشگاه

برای بررسی وضعیت کنونی نهاد دانشگاه، باید به عقب بازگشت و از زاویه‌ای کلان‌تر، آن را مورد بررسی قرار داد؛ چراکه هر وضعیتی درحال‌حاضر، از تلاقی و درهم‌تنیدگی عناصر متفاوت و تاریخی که هرکدام از این عناصر، در آن موجودیت یافته‌اند، تشکیل شده است. گستی که نهاد دانشگاه به خاطر وجود همه‌گیری کرونا به آن دچار شده و تبعاتی که در ادامه آن متحمل شده است، تنها در نسبت با تاریخ خودش، قابل شناسایی است.

نهاد دانشگاه بعد از انقلاب در ایران دچار گسست‌های متعددی شده است. در یک نگاه اجمالی دو نوع وضعیت منتخب را پیش از همه‌گیری کرونا می‌توان بازشناسی کرد. اول، موقعیت نهاد دانشگاه بعد از انقلاب فرهنگی و بازشدن مجدد آن و دوم، سازوکار دانشگاه بعد از رخداد انتخابات ۸۸ و وقایع مرتبط با آن.

هر گسستی، ویژگی‌ها و مختصات خودش را دارد. به‌همین‌دلیل اینجا نیتی برای مقایسه این بازه‌های زمانی وجود ندارد؛ چراکه کاهی تلاش برای مقایسه، از میزان و عمق مسئله می‌کاهد و وقایع تاریخی را از محتوای خود خالی می‌کند. اینجا به این خاطر به دو وضعیت پیشین هم اشاره شده است؛ چراکه دانشگاه در این نقاط بیش‌ازپیش بی‌حفاظ و تنها بوده است و ضربتی خورده که دانشگاه را از اهداف خود خالی‌تر کرده است.

شاید در فرم و محتوا بتوان شباهت‌هایی را در این وضعیت‌ها آشکار کرد؛ اما مسئله دانشگاه در دوران کرونا، نه با ویرانی‌ای که از پس انقلاب فرهنگی به وجود آمد، همخوانی داشت و نه با نامیدی و سرخوردگی عمومی بعد از اتفاقات ۸۸. دانشگاه در دوران کرونا هم بود و هم نبود. هم می‌توانستی در آنجا حضور داشته باشی و هم مدت‌ها بود که حضوری نداشتی. مجازی‌شدن، تعلیق دانشگاه را در پی داشت. تفاوت اینجاست که این تعلیق، بیش‌ازپیش توانست دانشگاهی سیاست‌زده‌دور را تولید کند، بی‌آنکه به صورت آشکار، چگونگی این فرایند برای همگان آشکار شود.

اکادمی با یک‌سری ویژگی‌ها قرار است متمایز شود. اگر اکادمی معنای خود را از دست بدهد، دانشجویی هم دیگر وجود نخواهد داشت. اکادمی و نهاد دانشگاه که ما به صورت بلاواسطه می‌شناسیم، به صورت واقعی استقلالی از خود نداشته است. آزمون و خطاهای محدودی در بازه‌های زمانی کوتاهی شکل گرفته است که تلاش شده تا اندکی دانشگاه، استقلال خودش را به دست بیاورد؛ اما روندها و سازوکارها برای استحداث هیئت علمی، تغییر سرفصل‌های درسی به‌ویژه علوم انسانی و اسلامی‌سازی رشته‌ها، اخراج استادان و گزینش دانشجو، روند انتخاب هیئت امنا و بسیاری از عوامل دیگر، نشان می‌دهد که ماهیت درونی این نهاد، چگونه عمل می‌کند. دانشگاه مجازی، دست عده‌ای را برای آنچه در تمام این سال‌ها، می‌خواستند، باز گذاشت؛ چراکه در دانشگاه مجازی، «دانشجویی» نمی‌تواند وجود داشته باشد.

دانشجوی مجازی، به‌ویژه به صورت منفرد، یک انسان بی‌چهره است. بدون داشتن ایده‌ای راجع به دیگری. دانشجویی که جز با شنیدن یک صدا نمی‌تواند به وجود هم‌کلاسی‌های خود پی ببرد.

اگر یک فرد نابینا در مرور زمان، حواس دیگرش را تقویت می‌کند، اینجا اما ما با دانشجویانی مواجهیم که تأثیر در وسط میدانی حضور داشتند که بدن‌های‌شان، هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند و دانشجوی ازخودبیگانه زاده می‌شود.

سیاست‌های خصوصی‌سازی ازجمله پردیس‌های خودگردان، کاهش ورودی‌های روزانه، کاهش سنوات، کم‌کردن ظرفیت خوابگاه‌ها و... از سویی و بومی‌گزینی، سهمیه‌بندی‌های جنسیتی و غیرجنسیتی در این اکادمی در دهه اخیر نهادینه شده است. در همین راستا، مقاومت شدید و اعمال نظارت در همین فضا علیه منطق علم آکادمیک عمومی هم وجود دارد (به خوانش انتقادی علم موجود در اینجا نمی‌پردازم؛ چراکه آنچه به‌عنوان علم، در ایران عموما آموزش داده می‌شود هم، فعلا تفاوت زیادی با آنچه باید باید، دارد).

این به آن معناست که سیاست‌های نئولیبرالی در کنار آیین‌نامه‌های بالادستی که از پیش تعیین و ابلاغ شده، جزء تشکیل‌دهنده منطق حکمرانی موجود است. سیاست‌زدایی به شکلی خاص، در دستور کار تکنوکرات‌های دولت پیشین وجود داشت و در این دولت هم به شکلی دیگر در حال اجرا شدن است.

دانشجو، در وضعیتی که بیان شد، دستور کار از پیش آماده‌شده یک دانشگاه، یعنی کسب دانش عمومی را هم نمی‌تواند به انجام برساند. البته منطق هیچ دانشی جدا از قدرت نیست؛ اما این چرخه موجود، بیش از آنکه دغدغه دانشی بسنده را در درون خود داشته باشد، درگیر نظام قدرت پیچیده‌ای است که در درون آن وجود دارد و هیچ چیزی خارج از آن نمی‌تواند تعریف شود.

در چنین فرایندی است که تشکل‌ها و نهادهای دانشجویی مثل انجمن‌های اسلامی (به‌عنوان تنها امکان موجود، برای ایجاد کنش‌های سیاسی رسمی و قانونی)، شوراهای صنفی (نهادی رسمی برای احقاق حقوق دانشجو) کانون‌ها و نشریات دانشجویی، محملی بوده و هستند که بتواند در این منطقی که به‌سرعت دارد پیش می‌رود، خللی وارد کنند و اجازه ندهند که بدون هیچ مانعی، به پیش برود. دانشگاه مجازی، سرعت‌گیر را هم از میان برداشته و احساس تعلقی را هم در بین دانشجو با دیگر دانشجویان و خود نهاد دانشگاه به وجود نمی‌آورد.

اکنون، بعد از دو سال جولان محدودیت و ممنوعیت، بالاخره بازگشایی حضوری دانشگاه اتفاق افتاده است (بعد از بازشدن باشگاه‌های ورزشی، ورزشگاه‌ها، رستوران‌ها، سالن‌های عروسی و الی آخر). بازگشایی‌ای که به‌سرعت نشان از پیشروی مسئولان فعلی برای از بین بردن دستاوردهای حداقلی بیشین می‌دهد. آیین‌نامه‌های جدید خوابگاه، شرایط خوابگاه‌های زنان و سخت‌گیری‌های مضاعف برای ورود و خروج و اقامت، از این جمله‌اند. همچنین خبرهایی مبنی بر عدم واگذاری خوابگاه به بعضی از دانشجویان شهرستان، تذکرهای متعدد راجع به پوشش، کیفیت بد غذا و اخراج بعضی از استادان دانشگاه، به کوش می‌رسد. وضعیت بد اقتصادی کشور هم هرچه بیشتر موجب می‌شود تا امکانات رفاهی حداقلی برای دانشجویان در نظر گرفته شود.

این تنها بخشی از آن چیزی است که اتفاق افتاده و رسانه‌ای شده است. این نکته قابل ذکر است که این موارد، جدا از فشار و پرونده‌سازی برای فعالان دانشجویی است که در این مدت هم، با وجود رکود فضای فعالیت، همچنان با آن دست به گریبان بوده‌اند.

نهادهای دانشجویی تا قبل از دوران همه‌گیری تلاش می‌کردند تا در کنار دانشجویان، برای زیست روزمره خود فعالیت کرده و در کنار آن نقش میانجی را در حوزه عمومی، ایفا کنند. درحال‌حاضر دانشجویان ورودی جدید با جهان به نسبت متفاوتی مواجه می‌شوند. جهانی که پیوندهای خود را با آنچه ماه‌های آخر در دانشگاه یعنی پاییز و زمستان ۱۳۹۸ در حال رخ‌دادن بود، از دست داده است. روزهایی که در سراسر دانشگاه‌های کشور، حداقل حیات دانشجویی وجود داشت. با اینکه رنگ رکود در همه جا رخنه کرده بود؛ چراکه کنش و مطالبه‌گری، می‌تواند مکانیسم زندگی را در همه جا فعال کند. با اینکه تغییرات ساختاری درون دانشگاه، همان‌طور که اشاره شد، در تمام این مدت تلاش می‌کرده است تا اثری از امر سیاسی در درون دانشگاه باقی نگذارد.

سال‌بودن نسل‌های دانشجویی درون دانشگاه، هم امکان خلاقیت در کنش را فراهم کرده و هم هراس انقطاع کنشگری را افزون می‌کند. در چنین شرایطی است که گسست‌های درونی دانشگاه، می‌تواند آن را قلع کند یا توان بازآفرینی به شکل دیگر را در درون خود به وجود بیاورد.

به هر روی، خبرهایی که به گوش می‌رسد، نمایانگر تلاش مسئولان، برای مستقرکردن جهان دیگری بر دانشگاه است. یک تلاش جمعی، روزمره و شاید مضاعف لازم است که بتواند جلوی استقرار این روندها را بگیرد؛ چراکه در وضعیت تعلیق، امکان اینکه شرایط موجود به هر طرف سنگینی کند، وجود دارد و برایند نیروهاست که در آخر تعیین‌کننده خواهد بود. چگونگی تأثیر بر این وضعیت هم، بدون واقع‌گرایی، تلاش برای فهم وضع موجود و همچنان حفظ تخیل و آرمان‌گرایی صورت نمی‌گیرد.

«شرق» از مصائب زیست دانشجویان پس از پایان تعطیلی‌ها گزارش می‌دهد

خوابگاه نه؛ جانکاه

نیلوفر حامدی: از اسفند ۹۸ تا فروردین ۱۴۰۱ دقیقا ۲۴ ماه و ۱۴ روز، دانشگاه در یک برزخ غریب به سر برد. برزخی که نام آموزش مجازی را بر آن نهادند و بادمی کرونا هم همان هیولایی شد که صدا و حرکت را از دانشگاه گرفت؛ اما بالاخره و پس از گذشت دو سال و ۱۴ روز، به پایان رسید قرن گذشته و شش سویه ویروس کرونا. بالاخره زور هیولا کم و دانشگاه‌ها دوباره باز شد. درحالی‌که به نظر می‌رسید این دو سال شبه‌تعطیلی، زمانی برای بازیابی دانشگاه باشد؛ اما حالا و با حضور دوباره دانشجویان تنها چیزی که به گوش نمی‌رسد و به چشم‌ها نمی‌آید، همین بازیابی است. پس از گذشت بیش از دو سال، حالا دانشگاه و دانشجویانش با مصائبی روبه‌رو شده‌اند که زیست روزمره دانشجویی را برایشان از همیشه دشوارتر کرده است. دانشجویان دانشگاه‌های تهران، علوم پزشکی، پلی‌تکنیک، علم‌وصنعت، الزهرا و علامه درگفت‌وگو با «شرق» از این مصائب می‌گویند؛ از دشواری‌هایی که نه‌تنها کرونا را در کمین آنها قرار داده است؛ بلکه ذات آموزش را هم تحت خطر جدی قرار داده است.

● عکس‌ها: مصطفی رودگی، میزان

دانشگاه پلی‌تکنیک: دانشجویان در دوراهی مبارزه با موش یا حفظ جان‌شان

دانشجویان پلی‌تکنیک ازجمله کسانی هستند که از ابعاد متفاوت با مصائب مرتبط با خوابگاه روبه‌رو شده‌اند. جنجال‌برانگیزترین موضوع هم درباره خوابگاه ناصرالاسلامی است. خوابگاهی نزدیک میدان رازی که بارها و بارها محل تنش بوده است و حتی چاره‌یابی برای انتظامی هم به وسط رفته است. داستان درمورد این خوابگاه را از زبان «الف»، یکی از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد پلی‌تکنیک می‌خوانیم: «ما فیلا خوابگاهی در جماران داشتیم، اما میران جدید گفتند که مدیریت ناصرالاسلامی هم بالا بود. تا به امروز که خبری از آن فروش به ما دانشجویان نرسیده است. خوابگاه میدان رازی هم جزو دردسر و ناامنی چیزی برای ما ندارد. چندین بار محل‌های این منطقه مقابل ساختمان ناصرالاسلامی تجمع کرده‌اند یا از نیروی انتظامی خواسته‌اند که با ما برخورد شود. علت چیست؟ چون ساکنان این خوابگاه همه پسران مجرد هستند و این هم خواسته فروش بود که این ساختمان را وقف دانشگاه کرده بود. حالا محلی ما می‌گویند که پسران خوابگاه را بگایی روی تاس می‌روند و سیگار می‌کشند و این برای خانواده‌های‌شان خوب نیست. در یکی از تجمعات‌شان که حتی انتظامات خوابگاه را هم کتک زدند و کار به نیروی انتظامی کشید؛ اما حضور پلیس هم مشکلی را حل نکرد. عاقله آنجا حتم شد؛ اما باز هم محلی ما را تبدیل کردند. به بچه‌ها گفته‌اند که برای شما آرامش نمی‌گذاریم. چندین بار شب‌ها بچه‌ها را خبث کرده‌اند. گوشی یک نفر را زدند».

ناامنی در این خوابگاه آن‌قدر بالا رفته که برخی از دانشجویان حتی حاضر شدند به خوابگاه شبها بروند؛ اما در ناصرالاسلامی نمانند: «خوابگاه شبها واقعا شبیه یعقوبه است. در محوطه موش دیده می‌شود. حمام و سرویس بهداشتی و یکبج‌ها درست کار نمی‌کند. فرش نداریم. اینترنت وای‌فای وجود نداشت؛ چون خیلی ناگهانی باز شد و ساختمان نیمه‌کاره بود؛ اما بچه‌ها حاضر شدند در همین خوابگاه کف‌خاب شوند؛ اما حداقل جان‌شان در خطر نباشد. این را هم لحاظ کنید که ما با وجود ویروس کرونا باید با این مشکلات دست‌وپنجه نرم کنیم و تازه درس هم بخوانیم».

طبق آیین‌نامه دانشگاه موظف است که ۲۲ روز پیش از حضوری‌شدن کلاس‌ها، ضوابط و شرایط اخذ خوابگاه را به دانشجویان اعلام کند؛ اما دانشجویان می‌گویند این اتفاق نیفتاده است: «خیلی بد به ما اعلام کردند و بچه‌ها هم در یک شرایط ناگهانی قرار گرفتند. انگار می‌خواهد با این روش دانشجویان ودوستی‌ها اطلاعات کمتری دارند و قوانین را نمی‌شناسند. کول برنند و ارشد و دکترا را هم بهتر تحت کنترل خودشان نگه دارند».

همه خوابگاه‌هایی که متعلق به پلی‌تکنیک است، باز شده‌اند و بیشتر از طرف‌شان هم دانشجو حدر کرده‌اند. این نکته‌ای است که «الف» می‌گوید: «مشکل ما پلی، بدون استثنا است. خوابگاه‌ها باز شدند و بیشتر از طرف همه دانشجو پذیرفته‌اند؛ اما ساختمان ناصرالاسلامی عملا فقط مشکل‌آفرین بوده است. محلی‌ها می‌گویند نباید پسر مجرد در این خوابگاه اسکان داده شود؛ اما کسی که آن را وقف کرده، اساسا خواسته که پسران مجرد در این خوابگاه باشند. آن‌قدر هم جدی است که اگر این شرط لحاظ نشود، خوابگاه را به شریف خواهند داد. حالا ما مانده‌ایم و امنیتی که از یک طرف نیست و درسی که نمی‌دانیم چطور می‌شود بخوانیم».

دانشگاه تهران: اتاق‌هایمان نه کولر دارد و نه تهویه

«شمس» دانشجوی ارشد دانشگاه تهران است. ابتدا در خوابگاه امین ساکن بود که جزء خوابگاه‌های کوی دانشگاه تهران نیست و الان در خوابگاه ۱۳ آبان اقامت دارد. از نظر او این خوابگاه‌ها جزء در شان زیست انسانی هم نیستند: «با تمام احترام برای همه، این خوابگاه‌ها اصلا در سطح سکونت انسان‌ها نیست و شان انسانی در این خوابگاه‌ها رعایت نمی‌شود. حالا اصلا شان نیست‌ها بماند. اگر ما می‌پذیریم و اعتراضی نمی‌کنیم، از نجابت دانشجوهاست. حالا همین خوابگاه‌ها که قبل از کرونا هم اوضاع خوبی نداشتند. در دوران باندمی ویروسی که جهان را از کار انداخته است و به وجود آمد، همخوانی داشت و نه با نامیدی و سرخوردگی عمومی بعد از اتفاقات ۸۸. دانشگاه در دوران کرونا هم بود و هم نبود. هم می‌توانستی در آنجا حضور داشته باشی و هم مدت‌ها بود که حضوری نداشتی. مجازی‌شدن، تعلیق دانشگاه را در پی داشت. تفاوت اینجاست که این تعلیق، بیش‌ازپیش توانست دانشگاهی سیاست‌زده‌دور را تولید کند، بی‌آنکه به صورت آشکار، چگونگی این فرایند برای همگان آشکار شود.

اکادمی با یک‌سری ویژگی‌ها قرار است متمایز شود. اگر اکادمی معنای خود را از دست بدهد، دانشجویی هم دیگر وجود نخواهد داشت. اکادمی و نهاد دانشگاه که ما به صورت بلاواسطه می‌شناسیم، به صورت واقعی استقلالی از خود نداشته است. آزمون و خطاهای محدودی در بازه‌های زمانی کوتاهی شکل گرفته است که تلاش شده تا اندکی دانشگاه، استقلال خودش را به دست بیاورد؛ اما روندها و سازوکارها برای استحداث هیئت علمی، تغییر سرفصل‌های درسی به‌ویژه علوم انسانی و اسلامی‌سازی رشته‌ها، اخراج استادان و گزینش دانشجو، روند انتخاب هیئت امنا و بسیاری از عوامل دیگر، نشان می‌دهد که ماهیت درونی این نهاد، چگونه عمل می‌کند. دانشگاه مجازی، دست عده‌ای را برای آنچه در تمام این سال‌ها، می‌خواستند، باز گذاشت؛ چراکه در دانشگاه مجازی، «دانشجویی» نمی‌تواند وجود داشته باشد.

دانشجوی مجازی، به‌ویژه به صورت منفرد، یک انسان بی‌چهره است. بدون داشتن ایده‌ای راجع به دیگری. دانشجویی که جز با شنیدن یک صدا نمی‌تواند به وجود هم‌کلاسی‌های خود پی ببرد.

اگر یک فرد نابینا در مرور زمان، حواس دیگرش را تقویت می‌کند، اینجا اما ما با دانشجویانی مواجهیم که تأثیر در وسط میدانی حضور داشتند که بدن‌های‌شان، هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند و دانشجوی ازخودبیگانه زاده می‌شود.

سیاست‌های خصوصی‌سازی ازجمله پردیس‌های خودگردان، کاهش ورودی‌های روزانه، کاهش سنوات، کم‌کردن ظرفیت خوابگاه‌ها و... از سویی و بومی‌گزینی، سهمیه‌بندی‌های جنسیتی و غیرجنسیتی در این اکادمی در دهه اخیر نهادینه شده است. در همین راستا، مقاومت شدید و اعمال نظارت در همین فضا علیه منطق علم آکادمیک عمومی هم وجود دارد (به خوانش انتقادی علم موجود در اینجا نمی‌پردازم؛ چراکه آنچه به‌عنوان علم، در ایران عموما آموزش داده می‌شود هم، فعلا تفاوت زیادی با آنچه باید باید، دارد).

این به آن معناست که سیاست‌های نئولیبرالی در کنار آیین‌نامه‌های بالادستی که از پیش تعیین و ابلاغ شده، جزء تشکیل‌دهنده منطق حکمرانی موجود است. سیاست‌زدایی به شکلی خاص، در دستور کار تکنوکرات‌های دولت پیشین وجود داشت و در این دولت هم به شکلی دیگر در حال اجرا شدن است.

دانشجو، در وضعیتی که بیان شد، دستور کار از پیش آماده‌شده یک دانشگاه، یعنی کسب دانش عمومی را هم نمی‌تواند به انجام برساند. البته منطق هیچ دانشی جدا از قدرت نیست؛ اما این چرخه موجود، بیش از آنکه دغدغه دانشی بسنده را در درون خود داشته باشد، درگیر نظام قدرت پیچیده‌ای است که در درون آن وجود دارد و هیچ چیزی خارج از آن نمی‌تواند تعریف شود.

در چنین فرایندی است که تشکل‌ها و نهادهای دانشجویی مثل انجمن‌های اسلامی (به‌عنوان تنها امکان موجود، برای ایجاد کنش‌های سیاسی رسمی و قانونی)، شوراهای صنفی (نهادی رسمی برای احقاق حقوق دانشجو) کانون‌ها و نشریات دانشجویی، محملی بوده و هستند که بتواند در این منطقی که به‌سرعت دارد پیش می‌رود، خللی وارد کنند و اجازه ندهند که بدون هیچ مانعی، به پیش برود. دانشگاه مجازی، سرعت‌گیر را هم از میان برداشته و احساس تعلقی را هم در بین دانشجو با دیگر دانشجویان و خود نهاد دانشگاه به وجود نمی‌آورد.

اکنون، بعد از دو سال جولان محدودیت و ممنوعیت، بالاخره بازگشایی حضوری دانشگاه اتفاق افتاده است (بعد از بازشدن باشگاه‌های ورزشی، ورزشگاه‌ها، رستوران‌ها، سالن‌های عروسی و الی آخر). بازگشایی‌ای که به‌سرعت نشان از پیشروی مسئولان فعلی برای از بین بردن دستاوردهای حداقلی بیشین می‌دهد. آیین‌نامه‌های جدید خوابگاه، شرایط خوابگاه‌های زنان و سخت‌گیری‌های مضاعف برای ورود و خروج و اقامت، از این جمله‌اند. همچنین خبرهایی مبنی بر عدم واگذاری خوابگاه به بعضی از دانشجویان شهرستان، تذکرهای متعدد راجع به پوشش، کیفیت بد غذا و اخراج بعضی از استادان دانشگاه، به کوش می‌رسد. وضعیت بد اقتصادی کشور هم هرچه بیشتر موجب می‌شود تا امکانات رفاهی حداقلی برای دانشجویان در نظر گرفته شود.

این تنها بخشی از آن چیزی است که اتفاق افتاده و رسانه‌ای شده است. این نکته قابل ذکر است که این موارد، جدا از فشار و پرونده‌سازی برای فعالان دانشجویی است که در این مدت هم، با وجود رکود فضای فعالیت، همچنان با آن دست به گریبان بوده‌اند.

نهادهای دانشجویی تا قبل از دوران همه‌گیری تلاش می‌کردند تا در کنار دانشجویان، برای زیست روزمره خود فعالیت کرده و در کنار آن نقش میانجی را در حوزه عمومی، ایفا کنند. درحال‌حاضر دانشجویان ورودی جدید با جهان به نسبت متفاوتی مواجه می‌شوند. جهانی که پیوندهای خود را با آنچه ماه‌های آخر در دانشگاه یعنی پاییز و زمستان ۱۳۹۸ در حال رخ‌دادن بود، از دست داده است. روزهایی که در سراسر دانشگاه‌های کشور، حداقل حیات دانشجویی وجود داشت. با اینکه رنگ رکود در همه جا رخنه کرده بود؛ چراکه کنش و مطالبه‌گری، می‌تواند مکانیسم زندگی را در همه جا فعال کند. با اینکه تغییرات ساختاری درون دانشگاه، همان‌طور که اشاره شد، در تمام این مدت تلاش می‌کرده است تا اثری از امر سیاسی در درون دانشگاه باقی نگذارد.

سال‌بودن نسل‌های دانشجویی درون دانشگاه، هم امکان خلاقیت در کنش را فراهم کرده و هم هراس انقطاع کنشگری را افزون می‌کند. در چنین شرایطی است که گسست‌های درونی دانشگاه، می‌تواند آن را قلع کند یا توان بازآفرینی به شکل دیگر را در درون خود به وجود بیاورد.

به هر روی، خبرهایی که به گوش می‌رسد، نمایانگر تلاش مسئولان، برای مستقرکردن جهان دیگری بر دانشگاه است. یک تلاش جمعی، روزمره و شاید مضاعف لازم است که بتواند جلوی استقرار این روندها را بگیرد؛ چراکه در وضعیت تعلیق، امکان اینکه شرایط موجود به هر طرف سنگینی کند، وجود دارد و برایند نیروهاست که در آخر تعیین‌کننده خواهد بود. چگونگی تأثیر بر این وضعیت هم، بدون واقع‌گرایی، تلاش برای فهم وضع موجود و همچنان حفظ تخیل و آرمان‌گرایی صورت نمی‌گیرد.

از مطالبات دانشجویان تا دغدغه مدیران

ضوابطی که دانشجو را محدود می‌کند، نه کرونا!

کوهیار آفاق: کرونا هر لحظه در کمین دانشجویان و استادان و کارکنان دانشگاه است. زیست مدنه در خوابگاه با چالش‌های متعدد روبه‌رو شده؛ از امکانات حداقلی که با ندارند یا مستهلک است تا امنیتی که حتی در برخی خوابگاه‌ها تحت خطر قرار دارد. به عقیده برخی از دانشجویان کرامت انسانی در بسیاری از خوابگاه‌ها رعایت نمی‌شود و این سطح از زندگی به هیچ عنوان در شأن یک انسان نیست. همه اینها در شرایطی است که لیسانس و تحصیلات تکمیلی به حیطه اختصاص داشته و اکثر تعداد قابل توجهی از آنها نیز به مهاجرت می‌زنند اما تعداد زیاد دیگری قرار است در همین کشور بمانند. تدریس و پژوهش کشد و به نحوی در چرخه تولید دانش هستند کشور نقش فعال و بازتولیدی داشته باشند؛ اما دقیقا در چنین شرایطی که دانشگاه پس از گذشت دو سال بازگشایی با این حجم از بحران روبه‌رو شده است، آنچه از فعالیت مدیران و دغدغه‌های آنها برای تغییرات در دانشگاه‌ها در اخبار دیده و شنیده می‌شود، هیچ‌گونه قرابتی با مطالبات دانشجویان و دغدغه‌های آنان ندارد. چراغ اول هم در دانشگاه تهران روشن شده: همان روزی که متن ضوابط و مقررات خوابگاه‌های دانشگاه تهران، ویژه دختران دانشجو در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و دانشجویان فروج به بازگویی تجارب خود کردند. دانشجویان نسل جدید و نسل قدیم با عناوین مختلف به نقد روبه جدید در این دانشگاه پرداختند و از تجارب خوشان نوشتند.

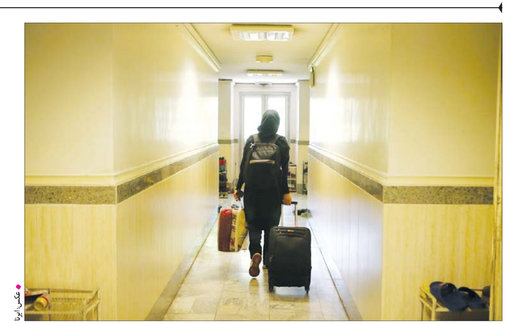

● عکس: ایرنا

اگرچه این رفتارها از سوی مسئولان دانشگاه با ساکنان خوابگاه و متخصصا خوابگاه دختران پدیده جدیدی نیست اما هر بار ابعاد تازه‌ای پیدا می‌کند و به سنگین‌ترانه‌تر می‌شود. به طور مثال طبق دستورالعمل جدید مسئولان دانشگاه به زن متاهلی که پس از ساعت قانونی به خوابگاه برگردد تنها در صورتی اجازه ورود بدون ثبت‌نام مشکل انضباطی را خواهند داد که زن به همراه همسرش به خوابگاه مراجعه کند. یعنی دختر دانشجویی که به طور مثال در مقطع کارشناسی ارشد مهم‌ترین دانشگاه این کشور تحصیل می‌کند و به سطحی از تعقل هم رسیده که تشخیص داده می‌تواند ازدواج کند، خودش به تنهایی از چشم مسئولان خوابگاه به اندازه کافی موجه نیست و برای حضورش در خوابگاه نیازمند این است که با شوهرش دیده شود.

در بخش دیگری از این مقررات و ذیل موارد مرتبط با اقامت شبانه دانشجویان دختر خارج از خوابگاه نوشته شده است: «دانشجویان می‌توانند در منازل خویشاوندان خویش که قبلا مشخصات آدرس و نسبت آنها با دانشجو قید شده و به تنیه اولیای او رسیده است با رعایت سایر موارد، حداکثر تا دو شب در هفته اقامت نمایند و پس از بازگشت از مسافرت موظف هستند حضور خود را به مسئول خوابگاه اعلام نموده یا در دفتر ثبت نمایند».

در واقع دانشجوی دختر برای اقامت در خانه بستگانی که والدینش هم از آن راضی هستند باز محدودیت دارد و نمی‌تواند بیشتر از دو شب در هفته آنجا بماند.

محدودیت‌های مرتبط با ساعت بازگشت به خوابگاه نیز همیشه برای دختران دانشجو دردسرساز است. در این متن هم به این موضوع اشاره می‌کند و اگرچه این زمان برای دختران شاغل بیشتر است اما باز هم محدودیت خاص خودش را دارد: «دانشجویان شاغل در مراکز دولتی و قابل قبول می‌توانند با ارائه معرفی‌نامه و گواهی اشتغال نسبت به درخواست مجوز مجدد مراکز خوابگاه به مدت یک سال اقدام نمایند». این بند به دختران می‌گوید که در وله نخست باید در یک مرکز دولتی شاغل باشید و اگر محل کار شما دولتی نباشد، نیاز است «قابل قبول» باشد اما نکته جه مرجعی مسئول است تا مقبولیت محل اشتغال دختران را رصد و تائید کند. ضمن اینکه اگر هم در نهایت شغل شما مورد تائید خوابگاه بود، باز هم موجزتان تنها یک سال اعتبار خواهد داشت. البته این اولین‌بار نیست که زنان دانشجو مورد هدف رفتارهای کنترل‌گرایانه از سوی نهاد دانشگاه قرار می‌گیرند. در تمامی سال‌های اخیر، یکی از آشکارترین و البته قهوی‌ترین سیاست‌های کنترلی در خوابگاه، کنترل عبور و مرور بوده و هر بار با رویکردی جدید کوبی به‌روز می‌شود.

نباید فراموش کرد که تمامی این محدودیت‌ها هم صرفا درباره دانشجویان دختر است و پسران تا حد زیادی از این حجم از کنترل‌گری‌ها در خوابگاه در امان هستند. دانشگاه تهران در این بخش به عنوان نمونه مطرح شد اما اوضاع در سایر دانشگاه‌ها هم تفاوت چندانی ندارد. نمونه دیگر این تغییرات و اعمال محدودیت‌های جدی‌تر دانشگاه علم و صنعت است که دانشجویانش درباره آن در کانال مخصوص خوابگاه‌ها نوشته‌اند: با شروع فرایند بازگشایی کامل همه خوابگاه‌های علم و صنعت، متوجه شدیم که زمان ورود و خروج به خوابگاه‌ها نیز تغییر کرده است. برای پسران ساعت ۱۰ شب و دختران ساعت ۹ شب به عنوان ساعت به‌شدن در خوابگاه‌ها اعلام شده و ورود بعد از این ساعت‌ها به خوابگاه منوط به تعهد شده است. اقدامی که حداقل درباره پسران بی‌سابقه است و در سال‌های گذشته رفت‌وآمد در تمام ساعت‌های شبانه‌روز آزاد بود. تنها در سال ۹۸ بود که سخت‌گیری‌هایی بعد از ساعت ۱۲ نیمه‌شب صورت می‌گرفت. در رابطه با دختران نیز گرچه تغییر خاصی صورت نگرفته است اما این محدودیت همواره یکی از عوامل مهم نارضایتی دختران ساکن خوابگاه بوده است». در وصف هرچه بهتر این نارضایتی‌ها می‌توان به حادثه‌ای اشاره کرد که مهرماه سال ۹۸ در یکی از خوابگاه‌های دختران همین دانشگاه رخ داده بود. ساعت‌های محدودیت رفت‌وآمد در کنار دوربون خوابگاه‌های علم و صنعت از مرکز شهر، کار را به حبی رساند که مسئولان خوابگاه به دخترانی که دچار مسمومیت غذایی شده بودند، اجازه خروج از دادند و همین ماجرا به درسری بزرگ برای دانشجویان و نهاد دانشگاه بدل شده بود. حالا همان زمان را محدودتر هم کرده‌اند.

همین ابن محدودیت‌ها از یک سو و قوت‌گرفتن تذکرات مربوط به پوشش و حجاب از سوی دیگر، منش کشت ارشادی را کوبی دوباره در دانشگاه‌ها زنده کرده است. همزمان با انتشار خبر محدودیت‌های جدید در دانشگاه‌ها بود که در شبکه‌های اجتماعی، گروهی از دانشجویان زن دانشگاه تهران نیز اعلام کردند مقام‌های دانشگاه خواهند داشت و بر همان اساس هم برنامه‌ریزی‌ها انجام می‌شود. بر همین مبنا، گروهی از دانشجویان زن دانشگاه تهران نیز اعلام کردند مقام‌های دانشگاه هم با قبل از دوران همه‌گیری تبعیض‌آمیز برای کردند و در حرکتی نمادین که البته رفتاری دارای معنای مشخص در محیط دانشگاه است، طرح‌های غذا را در محوطه خوابگاه به ترتیب جدید بودند و خواستند تا به مطالبه آنها رسیدگی شود.

دانشگاه الزهرا: از نذر درب‌کنار تا کوچک ساکنیم

وضعیتی که پیرو شیوع کرونا در دانشگاه و خوابگاه‌ها ایجاد شده باشد در نگاه اول معطوف به امکانات باشد اما در نهایت، ذات آموزش عالی را نشانه قرار خواهد داد. یکی از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر با اعتراض به این موضوع در توییتر نوشته است: «بچه‌های شهرستان نمیتونن تو کلاسای حضوری شرکت کنن چون نیت خوابگاهشون نشده هنوز. اساتید هم اکثرا فقط میرن سر کلاس حضوری به بچه‌های تهران درس میدن و تمام. بچه‌های شهرستان هیچ ارزشی ندارن این وسط».

اگرچه دانشگاه‌هایی که خوابگاه می‌دهند هم به‌طور‌کلیه اشاره شد مشکلات خودشان را دارند. مشکلی شبیه به آنکه اشاره کرد؛ اما هم دانشجوی دانشگاه الزهرا از ناکران کرده است: «به همه ما خوابگاه رسیده است اما شش نفر داشتیم در یک اتاق بسیار کوچک ساکنیم. خوابگاه در فضای دانشگاه قرار داره و اقامات کافی برای ما میها نیست. فاصله اگرچه کیفیت بدی ندارند اما خیلی فرایند داشتند. آخرین ساعت ورودمان به خوابگاه هم ۹ونیم شب شده است. در چنین شرایطی و با این همه مشکلات، باید نگران اینلا به کرونا هم باشیم که تنها به اینجا اوضاع را به بهترین شکل مدیریت کرده‌اند».

رئیس سابق دانشگاه پلی‌تکنیک: رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در خوابگاه‌ها بسته نیست

سیداحمد معتمدی، رئیس سابق دانشگاه پلی‌تکنیک معتقد است کرونا حادثه عجیبی بود که تمامی کشورها و نهادها را با معضلات متعددی روبه‌رو کرد. دانشگاه‌ها هم از این قاعده مستثنا نبودند و نتیجه این که مشکلاتی هم به وجود آمد: «شاید به نظر موضوع فاصله‌گذاری اجتماعی ساده باشد اما وقتی شما درمورد جایی چون خوابگاه صحبت می‌کنید، اجرای همین بند به نظر ساده با محدودیت‌های جدی روبه‌رو می‌شود. اینجاست که مسئله کنجایش خوابگاه‌ها، تعداد اتاق‌ها، تخت‌ها، سرویس‌های بهداشتی و حمام و بسیاری موارد دیگر مهم می‌شود. وقتی چنین اماکناتی به شکل فبرده باشند و در تعداد بالا در دسترس نباشد، مدیریت‌کردن هم با چالش روبه‌رو می‌شود. اتاق‌های خوابگاه‌ها عموما ۴، ۶ و ۸ نفره هستند. اگر شما بخواهید که این اتاق‌ها را پر کنید، عملا فاصله‌گذاری اجتماعی را زیر سؤال بردید. اگر بر تکنید، در تأمین خوابگاه برای دانشجویان با مشکل مواجه می‌شوید».

او درباره شانه‌هایی مبنی بر فروش خوابگاه کشاورز در خیابان جماران نیز توضیح داد: «از زمان تغییرات مدیریتی در دانشگاه پلی‌تکنیک زمزمه‌هایی وجود داشت مبنی بر اینکه خوابگاه کشاورز در خیابان جماران در مدیریت قبلی فروخته شد تا تبدیل به باساز شود و برای این فروش ۱۴ میلیارد هم ودیعه گرفته شده است. موضوعی که باعث شد تا دانشجویان مدام بپرسند